



پدر بابک خرم‌دین در حالی در کمتر از ۴۸ ساعت پس از دستگیری به قتل داماد و دخترش با همدستی همسرش اعتراف کرده که مدعی است قصد کشتن دو فرزند دیگرش را هم داشته است.

راز این جنایت‌های هولناک از صبح یکشنبه با کشف اعضای بدن یک مرد در سطل زباله در شهرک اکباتان آغاز شد. در کمتر از ۶ ساعت هویت مقتول شناسایی و با اعترافات پدر و مادر مقتول مشخص شد بابک خرم‌دین کارگردان مستندساز به دست والدینش به قتل رسیده است. اما فقط ۴۸ ساعت پس از این اعتراف هولناک پدر مقتول به ۲ قتل دیگر اعتراف کرد. وی مدعی شد در سال ۹۰ دامادش فرامرز را کشته و در سال ۹۷ نیز یکی از دخترانش آرزو را به قتل رسانده است. محمد شهریار، سرپرست دادسرای جنایی تهران با اعلام این خبر گفت: زمانی که این زوج سالخورده به اتهام قتل پسرشان بابک بازداشت شدند، متوجه شدیم او یک دختر دیگر هم داشته که ناپدید شده و سال ۹۰ هم دامادش ناپدید شده است. بنابراین احتمال قتل آنها هم مطرح شد چرا که گفته بود دخترم به ترکیه رفته ولی در استعلاماتی که انجام شد هیچ ورود و خروجی با مشخصات دختر متهم به دست نیامد. همین مسأله احتمال جنایت را بیشتر تقویت کرد. فرضیه قتل دامادشان نیز به دنبال آن مطرح شد. تحقیقات روی این موارد متمرکز شد و احمد و همسرش به قتل داماد و دخترشان اعتراف کردند.

او همچنین در اعترافاتش به محمد جواد شفیعی بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنایی عنوان کرد که اجساد را مثله کرده و در سطل زباله در آن اطراف انداخته است. از نظر روانپزشکی آنها تحت معاینه قرار گرفته‌اند و پزشکی قانونی اعلام کرده که آنها جنون ندارند و از نظر روحی سالم هستند.

گفت‌وگو با احمد خرم‌دین

■ چه شد که داماد را به قتل رساندی؟
سال ۸۸ دخترم آرزو که متولد سال ۵۱ بود با پسری ازدواج کرد اما به‌خاطر اختلافات از او جدا شد. بعد از مدتی با پسر خواهرم فرامرز ازدواج کرد و ۶ ماهی که از زندگی آنها گذشت، برایمان گفت که فرامرز رفتارهای نامعقول دارد. او اعتیاد داشت و با خودروی پرایدش افرادی را که به‌صورت قاچاقی وارد ایران شده بودند جابه‌جا می‌کرد. رفتارهای



اعتراف مرد ۸۱ ساله به ۳ قتل

جنایت بدون مکافات

به‌همراه آرزو آمده خانه و همسرش را در خانه ما گذاشته و با چند نفر قاچاقی تهران را ترک کرده است. آنها هم چون فرامرز در کار خلاف بود باور کردند.

■ دخترتان را به چه دلیل به قتل رساندید؟
دامادمان را که کشتیم، طلاق غیابی دخترم را گرفتم و جهیزیه‌اش را که آن موقع ۷۰ میلیون تومان خریده

خواب‌آور ریخت که فوت کرد و با کمک همسرم او را به حمام بردیم و جسدش را مثله کردیم. هنوز تبر و چاقویی که با آن فرامرز را مثله کردیم دارم. بعد از قتل هم تکه‌های جسد را در سطل زباله انداختیم. بعد هم خودروی پراید او را در اطراف مهرآباد رها کردیم.

■ خانواده فرامرز به سراغ او نیامدند؟
به دروغ به آنها گفتیم که روز حادثه

نامعقول و کارهای خلافش ما را به این نتیجه رساند که تصمیم به قتل او بگیریم.

■ دخترتان هم از این ماجرا با خبر بود؟

بله. باهم به این نتیجه رسیدیم که او را به قتل برسانیم. یادم نمی‌آید چه تاریخی بود اما سال ۹۰ بود که یک روز فرامرز به خانه‌مان آمد. همسرم داخل غذایش حدود ۸۰ تا قرص

صحنه‌های قتل در کمال خونسردی با زل زدن به لنز دوربین خبرنگاران و عکاسان در حالی که دست‌آتش را به علامت پیروزی بالا برده بود ژست پیروزمندانه‌اش را در قاب تاریخ ثبت کرد. البته شاید بتوان بخش غم‌انگیز این تراژدی خانوادگی را اعترافات تلخ مادر بابک و آرزو دانست. زنی ۷۵ ساله که در کمال ناباوری پسر و دختر جوانش را با دستان خود به کام مرگ فرستاده و حتی به این هم راضی نشده و در سلاخی کردن فرزندانش با همسر خود همدست شده و جگرگوشه‌هایش را در کیسه‌های سیاه بسته‌بندی و اعضای بدنشان را در گوشه و کنار این شهر رها کرده است. نوشتن از این پرونده خیلی سخت است. هرچند در این پرونده هنوز هم ابهامات زیادی وجود دارد و پس از شنیدن جزئیات ماجرای قتل‌ها و اعترافات متهمان سؤالات بسیاری ذهن مخاطب را درگیر می‌کند اما آنچه بیش از همه آزاردهنده است رفتار خونسردانه و قیافه حق به جانب قاتلانی است که عزیزترین‌های زندگی‌شان را با دستانشان به قتل رسانده‌اند و دریغ از حتی یک لحظه پشیمانی.

وقتی از کودکی به‌تو یاد داده‌اند که از هر جا واماندی و از هر دری که رانده شدی می‌توانی به آغوش گرم مادر و دستان امن پدرت پناه ببری وای از روزی که امن‌ترین جای جهان و گرم‌ترین آغوش دنیا به قتلگاهت بدل شود و مهربانترین انسان زندگی‌ات نقشه سلاخی‌ات را طراحی و اجرا کند. نوشتن از اعترافات بی‌رحمانه این پدر و مادر خیلی سخت است. پدری که مدعی دفاع از کشور است و سال‌ها برای امنیت مردم کشورش با دشمن جنگیده حالا همانند دشمنی بی‌رحم تیشه به ریشه خانواده‌اش زده و فرزندانی را که بخشی از وجودش بوده‌اند به بهانه‌های واهی به دیار باقی فرستاده است. قتل بابک خرم‌دین کارگردان ۴۷ ساله سینما به‌دست پدر و مادرش را شاید بتوان یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های چند دهه اخیر در کشور دانست اما آنچه این خبر را به شوک آورترین خبر قرن تبدیل می‌کند آخرین اعتراف پدر بابک است به قتل دختر و دامادش که البته خواهرزاده‌اش نیز بوده است. پیرمرد ۸۱ ساله صبح دیروز پس از بیان جزئیات جنایت‌های فجیع خود و بازسازی

بودم به یک راننده که می‌خواست دخترش را شوهر دهد ۵۰۰ هزار تومان فروختم. اما بعد از قتل دامادم بدبختی و مصیبت ما زیاد شد. افتاده بود در کار خلاف و ماری جوانا و تریاک و هروئین مصرف می‌کرد. اذیت‌هایش خیلی زیاد بود. سال ۹۷ یک روز صبح کله‌پاچه خریدم. چون آرزو خیلی کله‌پاچه دوست داشت و بازهم مثل قبل داخل آن همسرم قرص‌هایش را ریخت و بعد از بی‌هوش شدن با کمک همسرم جسد را داخل حمام بردیم و مثله کرده و جنازه را در سطل‌های زباله انداختیم.

■ بابک و دو فرزند دیگر تگفتند که چه اتفاقی برای آرزو افتاده است؟

موقع قتل دامادمان بابک انگلستان بود. اما برای قتل دوم ایران بود و زمانی که فهمید خیلی به موضوع اهمیت نداد.

■ ممکن است به این دلیل بابک را کشته باشی که او از اجرای قتل خواهرش با خبر شده باشد؟

اصلاً. بابک از دوربین مداربسته خانه‌مان متوجه قتل خواهرش شده بود اما چون دل خوشی از خواهرش نداشت، برای همین هم تصمیم نداشت که این ماجرا را لو دهد. بابک آدم بدی بود، هر سه قتل را در همین خانه اکباتان انجام دادیم.

■ قصد نداشتی به دو فرزند دیگر آسیب برسانی؟

می‌خواستیم آنها را هم بکشیم. اگر آزاد شوم بدون شک برنامه‌ام قتل آنهاست. دخترم دو نوه‌ام را اذیت می‌کند؛ او خیلی عصبی و به هم ریخته است. از رفتارهای پسرم افشین هم خوشم نمی‌آید.

■ چرا اسم فامیل‌تان را عوض کرده بودید؟

من سال ۴۱ فامیلی‌ام را به خرم‌دین تغییر دادم. اسم بابک را هم برای همین روی پسرم گذاشتم اما او مثل بابک خرم‌دین نشد. وصیت کردم وقتی مردم مرا مقابل قلعه بابک خرم‌دین دفن کنند تا هر کسی که برای دیدن او می‌آید از روی قبر من رد شود. حتی کتابی هم در سوگ بابک خرم‌دین دارم می‌نویسم. او در پاسخ به خبرنگار «ایران» در مورد اینکه بعد از قتل‌ها عذاب وجدان نداشتی و کابوس نمی‌دید گفت: برای هیچ کدام از آنها عذاب وجدان نداشتیم و هیچ وقت کابوس نمی‌دیدم چون احساس گناه نمی‌کردم. برای اینکه کسانی را به قتل رسانده بودم که معضل جامعه بودند و فساد اخلاقی داشتند.